



نظری باعلامیه حقوق بشر
(۳۴)

ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر میگوید: «هر زن و مرد بالقی حق دارند، بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب، یا همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند.

در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر، در کلیه امور مربوط با ازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند. . . .

اما اسلام ؟

چرا اسلام، تعدد زوجات را جایز شمرده؟

* آمار سخن میگوید

* خاصیت تولید نسل، در مردها تقریباً همیشگی است

در شماره گذشته توضیح دادیم که: هر گاه تعداد زنهای شایسته ازدواج، بیش از مردها باشد؛ بهترین راه حل برای تعیین سر نوشت نورات اضافی از زنان همان راه تعدد زوجات است، تنها همین راه است که از مفاسد حریمیت جنسی و مفاسد روابط آزاد، برکنار و دارای مصالح فردی و اجتماعی است.

ولی ممکن است کسی بگوید: درست است بهترین راه حل، در صورت ازدیاد تعداد و ارقام زنهای از مردها همان راه سوم یعنی: تعدد زوجات است ولی کی و کجا ارقام زنهای شایسته

ازدواج ، از مردها بیشتر بوده است ۱۹

ما پیش از آنکه به پرسش فوق پاسخ گوئیم ، لازم است این نکته را بعنوان یک موضوع کلی و مسلم تذکر دهیم که اسلام يك دين منطقه‌ای ، یا نژادی ، یا قومی ، و یا مخصوص بیک زمان معینی نیست ، بلکه اسلام عبارت از يك سلسله قوانین و مقرراتیست که برای جمیع افراد بشر در تمام زمانها و مکانها تشریح شده است . از اینجهت می‌بایست هنگام قانونگذاری ، تمام حالات و شئون هر اجتماعی را در نظر گرفته ، مواردیکه بطور استثناء و اتفاق چه بحسب زمان و مکان وجه بحسب حالات و شرائط دیگر ، ممکن است پیش آید ، مورد توجه قرار دهد .
با توجه بنکته فوق ، لازم است بآمار و عوامل جواز تعدد زوجات ، ذیلاقت فرمائید:

۱ - آمار سخن میگوید

با آنکه زن معروف به جنس لطیف است ، در عین حال ، بطوریکه آمار و تحقیقات علمی نشان میدهد ، مقاومت او در برابر نامالایمات و امراض و حوادث زندگی بیشتر از مردست در نتیجه نوعاً عمر زنها طولانی‌تر از مردها است .

اگر بخواهیم این حقیقت را با مثالی توضیح دهیم ، ممکن است اینطور بگوئیم که : زن مانند چوب نرمی است که هر چند فشار نامالایمات بر او وارد شود نمیشکند بلکه می‌بچود ولی مرد بسان چوب خشکی است که در صورت ورود فشار شکسته و از هم جدا میشود .

یکی از جرائد روزانه دربارهٔ افزایش آمار زنها نسبت بمردها و همچنین دربارهٔ علت این افزایش اینطور مینویسد : «در فرانسه ، بطوریکه آمار نشان میدهد ، در مقابل هر ۱۰۰ دختر نوزاد ، ۱۰۵ پسر بدنیا می‌آید . ولی در عین حال ، تعداد زنها در حدود ۱۷۶۵۰۰۰ نفر از مردها بیشترند . با آنکه تمام جمعیت فرانسه در حدود ۴۰ میلیون نفر بیشتر نیست .

سبب این موضوع اینست که بمرها مقاومتشان در مقابل امراض کمتر از دخترهاست . از اینجهت پنج درصد آنها تا سن ۱۹ سالگی از بین میروند و بقیه از ۲۵ تا ۶۵ سالگی همینطور رو بنقصان میگذارند که در اینوقت یعنی ۶۵ سالگی در مقابل ۱۷۵۰۰۰۰ زن ۷۵۰۰۰۰ مرد بیشتر باقی نخواهد ماند» (۱)

پرفسور «پیترمدوار» استاد حیوان شناسی و تشریح مقایسه‌ای دانشگاه لندن ، در تأیید این نظریه مینویسد: بهمین جهت و جهات دیگر ، نسل مرد ، در جهان ، نسبت بزنان رو بنقصان است» (۲) ولذا دربارهٔ پاره‌ای از ممالک ، آمار ، زنها را نسبت بمردها ، این

طور نشان میدهد: «در آتازونی آمریکا، طبق سرشماری سال ۱۹۵۷ تعداد مردان ۱۸ ساله بیابا ۵۴۵۹۰۰۰۰ نفر و تعداد زنان ۱۸ ساله بیابا ۵۷۲۵۷۰۰۰ نفر میباشد.

و در فرانسه نیز طبق آمار رسمی، تعداد زنان ۱۱۰۰۰۰۰ نفر بیش از مردان است» (۱)

آیا با در نظر داشتن مطالب و آمار فوق، باز میتوان گفت: تجویز تعدد زوجات مخالف با سنت خلقت و منافع جامعه و فرد است؟!۱۱

پنجاه و پنج ملیون نفر کشته !!

صرف نظر از اینکه مقاومت جنس مرد، در برابر حوادث و نامالایمات و امراض و نظائر اینها کمتر است و همین امر باعث شده که جنس مرد، در جهان رو به نقصان گذارد و آمار زنها بیش از مردها باشد و توازن بین زن و مرد بهم بخورد، عوامل دیگری از قبیل: جنگها، نزاعها، کار کردن در تونلها و معادن، و اشتغال بر اندگی و کارهای سنگین که تلفات زیاد بدنیال دارد نیز وجود دارد که باعث افزایش تعداد زنها بر مردها شده و موجب بر هم خوردن تعادل و توازن بین آنها میگردد.

مثلا بعد از آنکه جنگ جهانی اول و دوم پایان پذیرفت و در حدود ۵۵ ملیون نفر که اغلب آنها سربازان جوان بودند کشته شدند و در حدود پنج ملیون نفر نیز ناپدید گردیدند، و زنهای و خانوادههایی بی پناه شدند (۲) در اینوقت کاملاً محسوس گردید که جنس مرد، در ممالک اروپائی و آمریکائی رو به نقصان گذاشته، تعادل و توازن بین آنها بر هم خورده است. این حالت باعث گردید که روزنامهها و مجلات در جستجوی عاقبت کار آنها شده، هر روز مطالب تازه ای درباره آنها بنویسند.

یک روز نوشتند: «پنج ملیون دختر در آلمان از غصه بی شوهری قصداً انتحار دارند» (۳)

و در روز دیگر تحت عنوان «فحطی مرد در آمریکا» نوشتند: «در حال حاضر در آمریکا ۲۰ ملیون دختر شوهر نکرده وجود دارد که چون دستشان به مرد نمیرسد، گرفتار اعتیادات و آلودگیهای ناپسند میشوند» (۴)

یک روز هم نوشتند: «در کشور آلمان غربی در مقابل یک پسر سه دختر وجود دارد یعنی در حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر تعداد زنهای بیشتر از مردها است. و همین امر باعث گردید که زنهای آنجا از دولت وقت درخواست برقراری رسم تعدد زوجات نمایند، متأسفانه ارباب

(۱) طلاق و تعدد ص ۳۵ (۲) اطلاعات ۱۲۳۳۴۴

(۳) خواندنیها شماره ۵۶ سال ۱۵ (۴) خواندنیهای شماره ۷۱ سال ۱۴

کلیسا در برابر این درخواست ، علم مخالفت برافراشته ، دولت را از انجام این کار مانع شدند ! (۱)

و اخیراً هم روزنامه اطلاعات نوشته که اکنون در کشور شوروی ، زنان بیست ملیون نفر از مردها بیشترند .

خواننده محترم ، با در نظر داشتن آمار بالا آیا دیگر جای تردید برای صحت نظریه اسلام مبنی بر جواز تعدد زوجات باقی خواهد ماند ؟
آیا در اینگونه موارد که توازن بین زنها و مردها بهم خورده و تعداد زنها بیش از مردها است راه صحیح تری از تعدد زوجات وجود دارد ؟
آیا تشریح تعدد زوجات در اینگونه موارد ، بضرر طائفه نسوان است یا نفع آنان ؟
فکر نمیکنم با در دست داشتن آماری نظیر آمار یاد شده تردیدی درباره جواز تعدد زوجات برای افراد خردمند باقی باشد .

۲- خاصیت تولید نسل در مردها تقریباً همیشگی است

عواملی که صحت تعدد زوجات را به ثبوت میرساند منحصر بصورت ازدیاد ارقام زنها بر مردها نیست ، جهات دیگری نیز وجود دارد که صحت تعدد زوجات را ولو در غیر این صورت روشن میسازد .

از آن جمله عامل زیر است :

غریزه جنسی و خاصیت تولید نسل در مردها تقریباً دائمی و همیشگی است یعنی یک مرد ممکن است حتی در سن صدسالگی و بیشتر تولید نسل کند و حال آنکه اغلب زنها در حدود پانجاه سالگی قدرت بچه آوردن را از دست میدهند .

روی این حساب ، آنمندی که زن از توانایی پرورش طفل افتاده و نیروی جنسی مرد ، همچنان بیدار و آماده تولید فرزند است ، چنانچه گرفتن زن دیگری برایش جائز نباشد می-بایست در آن مدت اضافی که تقریباً در حدود چهل سال است ، مرد از بهره برداری از این خاصیت طبیعی محروم بوده و از تولید نسل شایسته بی بهره باشد .

ولی همانطور که سابقاً نیز یاد آوری شد این بحث نباید چنین تفسیر شود که اسلام اجازه داده است مسئله تعدد زوجات وسیله ای برای هوسرانیهای نامحدود افراد گردد و موضوع زناشویی با زیچه افراد هوسباز شود و بدون هیچ قید و شرطی اقدام باین امر نمایند بلکه این امر شرعاً ممنوع است و سابقاً بان اشاره گردید .

(دنباله عوامل و جهات تشریح قانون تعدد زوجات را در شماره آینده مطالعه فرمائید)